

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۳ جنوری ۲۰۲۳

جنگ نیابتی بین "طالب" و "آی. اس. آی."

دوشنبه - ۱۲ جدی ۱۴۰۱ - کابل: در هفته ای که گذشت، از یک جانب دولت پاکستان نه تنها به ده ها بار نظام ملاسالار را به حمایت از تروریست های "تحریک طالبان پاکستان" متهم نمود و حتا از زبان وزیر داخله اش رسماً تهدید کرد که بعد از این در تعقیب تروریستان تا لانه ها و پایگاه های آنها پیش خواهند آمد و از جانب دیگر سخنگویان طالب و نظام ملاسالار در عین حالی که از برادری بین دو کشور نام بردند، کوتاه نیامده امروز سخنگوی وزارت دفاع نظام ملاسالار با تذکر این که "افغانستان بی صاحب نیست" و "آنها همیشه آماده دفاع از خاک و تمامیت ارضی کشور می باشند" جواب تهدید را با ابراز آمادگی جنگی پاسخ گفتند.

در این بین ضمن آن که "عمران خان" صدر اعظم پیشین پاکستان که دولتش در انتقال قدرت به طالب، نقش بسزائی داشت، وزارت خارجه دولت کنونی پاکستان را به علت نادانی در امور افغانستان مورد انتقاد قرار داد، سفیر قبلی پاکستان در کابل "منصور احمدخان" نیز وارد بحث شده، دخالت نظامی در افغانستان را بی فایده دانسته است.

همزمان با این جنگهای قلمی و سخن پراگنی، روز گذشته در قسمت نظامی میدان هوائی کابل یک حمله انفجاری صورت گرفت که در اثر آن ۲۰ طالب کشته و ۳۰ تن دیگر زخم برداشته امروز بعد از تأخیر ۲۴ ساعته، "داعش خراسان" مسؤولیت آن را به عهده گرفت، در این دعوا طرف مقابل یعنی "تحریک طالبان پاکستان" که به مثابه دست دراز نظام ملاسالار در پاکستان عمل می نماید نیز نخواست از قافله عقب بماند و لست حملات نظامی خود را در سال گذشته علیه دولت پاکستان و منافع آن که بیش از "۳۶۷" حمله بود منتشر نمود؛ تا نشان دهد که آنها در هر روز یک حمله انجام داده اند.

هرگاه از بحث "تو چه کردی من چه کردم" رسانه ئی و ژورنالیستی بگذریم و اندکی به عمق قضایا بنگریم، دیده می شود که فعالیت های نظامی در هر دو کشور، در واقعیت ادامه همان جنگهای نیابتی است که در افغانستان از ۴ دهه بدین سو به نمایندگی از کشورها و قدرت های متفاوت منطقه ئی و جهانی آغاز یافته است. نکته ای که در یادداشت کنونی نقطه گذاری می گردد:

۱- هرگاه از نخستین خیزش های پرجوش و طوفانی خلق ما از همان نخستین روزها، ماه و سالهای حاکمیت مزدوران روس در افغانستان بگذریم و بررسی ما را از زمانی آغاز نمائیم که دست خلق ما و فرزندان راستین آن از مبارزه علیه مزدوران روس و شوروی اشغالگر کوتاه گردید و با قطع آن، جنگ آزادیخواهانه مردم زیر نام "انقلاب اسلامی"،

"جهاد مقدس" به گنداب و باتلاق جنگ نیابتی امپریالیسم امریکا، ارتجاع منطقه و جهان علیه سوسیال امپریالیسم شوروی و نوکران زرین قلاده آن استحالہ یافت، نخستین مرحله جنگ نیابتی بین دو ابر قدرت و عوامل آنها در افغانستان جریان یافت.

۲- دومین مرحله جنگ نیابتی در کشور زمانی آغاز یافت که حاکمیت مزدوران روس خاتمه یافت- ثور ۱۳۷۱ برابر با اپریل ۱۹۹۲- و جهادی‌ها زمام امور را در افغانستان به دست گرفتند.

تفاوت این مرحله با مرحله قبلی عمدتاً در آن بود که خلاف دوره اول که هر دو حریف در تقابل مستقیم با نیروهای خودشان مقابل یک دیگر در سرزمین افغانستان علیه حریف مبارزه می کردند، در این مرحله ظاهراً هردو طرف پای شان را پس کشیده عمال منطقه ئی شان را اجازه دادند تا جنگ نیابتی در افغانستان را نیروهای وابسته به خود شان ادامه دهند. بدین صورت افغانستان شد میدان جنگ نیروهای وابسته به عربستان و کلیه ارتجاع عرب جمع پاکستان علیه نیروهای وابسته به ایران، بقایای روسیه و هندوستان.

خونین ترین و ویرانگر ترین میدان جنگ آنها در همان مقطع شهرکابل بود که بیش از سه بر چهار کابل ویران و بیش از ۶۵ هزار تن کشته و بالاتر از یک میلیون فراری نتیجه آن بود.

این جنگ با سقوط کابل به دست طالب، هر چند در شهر کابل خاتمه یافت مگر به سایر ولایات افغانستان به خصوص به ولایاتی که در گذشته ها "قطغن زمین" نامیده می شد ادامه داشت تا این که امپریالیسم امریکا و شرکاء بر افغانستان هجوم آورده، برای یکی دوسال سلطه شان را در تمام افغانستان قایم نمودند.

۳- مرحله سوم جنگ نیابتی در افغانستان که دقیقاً از سال ۲۰۰۴ به بعد پهنا و گسترش یافت، تنها تفاوتی که با دو مرحل قبلی داشت این بود که بستر جنگ همان افغانستان باقی ماند، مگر نیروهائی که از عقب جنگ را دامن می زدند تغییرات برجسته ای در خود دیدند. یعنی خلاف دوره اول که شوروی از چهار سمت مورد هجوم در افغانستان قرار گرفته بود، اینبار امپریالیسم امریکا و شرکای دور و نزدیکش بود که از ده ها جهت مورد حمله قرار داشتند. در این تهاجم ضمن آن که پاکستان همان نقشی را که در مرحله اول داشت باز هم حفظ کرد و در رقابت با آن، هند نیز در همان موقعیت دور اول لغزید یعنی در موقعیت دفاع از حاکمیت پوشالی "کرزی-غنی احمدزی" قرار گرفت، بقیه کارتها کلاً عوض شده، پاکستان، چین، روسیه و ایران به مثابه محور و محرک جنگ نیابتی ۲۰ ساله علیه امپریالیسم امریکا و شرکاء اخذ موقعیت نمودند.

اگر قرار باشد برای تمام این بازه زمانی بیش از ۴۰ سال یک محور مشترک تعیین بداریم، آن محور مشترک چیزی نخواهد بود به جز این که در تمام آن سالها، بستر جنگ نیابتی کشور افغانستان بوده، حاکمیت های موجود در آن زمان، هیچ نوع نقشی در محدود ساختن و یا گسترش آن و یا هم آغاز و ختم آن نداشته اند. قدرت های بیرونی می آمدند، می زدند، می کشتند، می سوختاندند و ویران می کردند و میدان این زور آزمائی کشور ویران و قربانی آن مردم بی پناه ما بود.

۴- چهارمین دور این جنگ نیابتی که با انتقال قدرت به طالب و تغییر حاکمیت در پاکستان آغاز یافت، از چند جهت نسبت به دوره های قبلی متفاوت می باشد:

*- خلاف دوره های قبلی که حاکمیت افغانستان در آن هیچ نقش و جایگاهی نداشت، اینک طالب و نظام ملاسالارخود به مثابه یک طرف جنگ نه تنها همین اکنون با پاکستان درگیر جنگ است بلکه با کمترین اشتباه از جانب روسیه و چین، علیه آنها و منافع شان نیز وارد جنگ خواهد شد؛

*- باز هم خلاف دوره های قبلی که بستر و میدان جنگ تنها افغانستان بود، تا فعلاً طالب میدان جنگ را از طریق "تحریک طالبان پاکستان" به داخل پاکستان نیز کشانیده است، مسلماً در آینده در صورتی که روسیه، چین و ایران در مخالفت با طالب و نظام ملاسالار اقدام نمایند، میدان جنگ را به سرزمین های آنها نیز خواهد کشانید؛

*- شواهد نشان می دهد که تا این مقطع زمانی، طالب موفق شده است حد اقل مانع دخالت مستقیم و آشکار قدرت های رقیب امپریالیستی یک طرف امپریالیسم امریکا و شرکاء و طرف دیگر، روسیه، چین و ایران، در جنگ نیابتی فعلی که علیه پاکستان به راه انداخته، شود. یعنی در حالی که خود هم از حمایت پولی هفته وار امپریالیسم امریکا سود می برد و هم از قطره چکانی های چین، ایران و روسیه و قادر شده است مناسباتش را با حریف منطقه ئی پاکستان یعنی هندوستان تحکیم ببخشد، پاکستان را در میدان تنها گیر آورده است؛

*- به همان سان که پاکستان در موجودیت "داعش خراسان" دست دراز عملیاتی در افغانستان دارد، طالب و نظام ملاسالار نیز دست دراز خود را در وجود "تحریک طالبان پاکستان" یافته است. به علاوه به همان سان که پاکستان تلاش می ورزد تا ستون پنجمش را در درون حاکمیت نظام ملاسالار احتمالاً در وجود "حقانی" ها و بیرون از آن "جهادی" ها تقویت و مورد استفاده قرار دهنده طالب و نظام ملاسالار نیز با استفاده از تضاد های درونی در جامعه پاکستان و رقابت های شدید بین احزاب در قدرت و رقبا آنها حتا در درون ارتش پاکستان، تلاش می ورزد تا در این جنگ خود پیروز میدان شوند.

هموطنان گرامی!

جنگ نیابتی که هم اکنون بین افغانستان و پاکستان که بهتر است بین "طالب" و "آی. اس. آی." گفته شود، جریان دارد هرگاه به مداخله مستقیم یکی از قدرت های بزرگ جهانی اعم از امریکا و شرکاء و یا روسیه و چین، نینجامد و همین طور ادامه یابد، بسیار دشوار است پیش بینی نمود که سرانجام کدام یک سر دیگری را خواهد خورد، آیا طالب موفق خواهد شد تا از یک جانب با دست دراز خود "تحریک طالبان پاکستان" و اخیراً شعارهای استقلال طلبانه اش برای مناطق پشتون نشین و از جانب دیگر عمران خان و بقیه طرفدارانتش، حاکمیت کودتائی "شهبازشریف" و "بوتهو زرداری" را از میان بردارد و یا پاکستان موفق خواهد شد، طومار طالب را از طریق فشار از بیرون و عوامل درونی اش ببیچد، کاملاً باز است.

هرگاه از حق نگذریم در طول بیش از ۴ دهه، این اولین بار است که در جنگ نیابتی، سایه سقوط تنها بر حاکمیت افغانستان در حرکت نیست بلکه بر بالای حاکمیت در پاکستان نیز دیده می شود. حرکتی که هرگاه از دید تنگنظرانه و شوینستی و انتقامجویانه نگریسته شود، موفقیت سیاست خارجی طالب را حد اقل در قبال پاکستان نشان می دهد. کاری که در طی چهار دهه گذشته هیچ یک از حاکمیت های به اصطلاح چپ و راست بدان نایل نیامده بودند.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!